

نقش و جایگاه شیعیان در ساختار کشور عراق علی عسگر شهبازی^۱، مجید رحمتی نصر^۲

چکیده

عراق از جمله کشورهای جنوب غرب آسیا می باشد که دارای موقعیت استراتژیکی مهمی است و همواره در تحولات داخلی و بین‌المللی دارای نقش و جایگاه مهمی بوده است. کشور عراق با بیش از ۳۲ میلیون نفر جمعیت، گروه‌های مذهبی مختلفی اعم از شیعه، سنی، گروه‌های کرد، مسیحی و غیره را در خود جای داده است. شیعیان در طول تاریخ کشور عراق همواره در صدر توجهات بوده‌اند و به ویژه با سقوط صدام اهمیت و جایگاه آن‌ها چندین برابر گردید. شیعیان عراق با جمعیتی ۶۰ تا ۶۵ درصدی؛ با تأثیرپذیری از انقلاب اسلامی ایران، توانستند پس از سال‌ها مبارزه مناصب مهمی مانند نخست وزیری و اکثریت کرسی های مجلس را بدست بگیرند در ادامه به این سوال اصلی پاسخ داده می شد که شیعیان در ساختار سیاسی عراق دارای چه نقش و عملکردی هستند؟

بنابراین هدف از این مقاله بررسی نقش و جایگاه شیعیان در ساختار سیاسی کشور عراق می باشد که با روش توصیفی - تحلیلی و براساس منابع کتابخانه‌ای نگاشته شده است.

کلید واژگان: عراق، شیعیان، صدام، ساختار سیاسی

پرتال جامع علوم انسانی

۱-مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیروان چرداول
۲-کارشناسی ارشد تاریخ ایران اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد محلات

مقدمه

در حاشیه جنوبی خلیج فارس؛ کشور عراق با مساحت ۴۳۷۰۷۲ کیلومتر مربع قرار دارد. این کشور در همسایگی کشورهای ایران، ترکیه، سوریه، اردن، کویت و عربستان سعودی واقع شده و مرزهای زمینی و دریایی مشترک با آن‌ها دارد (متقی زاده، ۱۳۸۴: ۱۰۹). اما مرزهای دریایی عراق- ایران، عراق- کویت و ایران- کویت؛ در خلیج فارس به صورت یک منبع بالقوه تهدید صلح و امنیت منطقه است. اهمیت تهدید مرزهای دریایی خلیج فارس به علت وجود ذخایر نفت و گاز می‌باشد (جعفری ولدانی، ۱۳۷۱: ۳۱۷). بعلاوه به علت ویژگی‌های خاص جغرافیایی، عراق نقش مهمی در بین کشورهای حوزه خلیج فارس ایفا می‌کند (متقی زاده، ۱۳۸۴: ۱۰۹) به نحوی که بین عراق و عربستان ضروری‌ترین مسئله مورد اختلاف؛ به منطقه بی‌طرف و تحدید حدود مرزهای بین دو کشور مربوط می‌شد (جعفری ولدانی، ۱۳۶۹: ۱۸۵). عراق از لحاظ جغرافیایی عمق استراتژیک مناسبی ندارد و نسبت به دیگر کشورهای این منطقه؛ کمترین ساحل را داراست و برای کشتیرانی نیز مناسب نیست. این کشور همانند عربستان و ایران، ذخایر نفتی فراوانی دارد و سومین کشور غنی نفتی در جهان به شمار می‌آید. مهمترین شهر عراق بغداد است که پایتخت آن بوده و در طول تاریخ دارای اهمیت فراوانی بوده است (متقی زاده، ۱۳۸۴: ۱۱۰-۱۰۹). عراق به لحاظ منابع معدنی و زیرزمینی منطقه‌ای استراتژیک محسوب می‌شود و توان تولید روزانه شش میلیون بشکه نفت را داراست (ترک‌زاده، ۱۳۸۲: ۷۷). عراق از لحاظ وضعیت ناهمواری به چهار منطقه تقسیم می‌شود: ۱- منطقه کوهستانی: که از لحاظ وسعت، ۵/۲ درصد خاک عراق را فرا گرفته است. این ارتفاعات دنباله ارتفاعات توروس در ترکیه و زاگرس در ایران است که با شیب ملایم به داخل عراق کشیده شده‌اند و جهت عمومی آن‌ها شمال غربی- جنوب شرقی است. ۲- منطقه الجزیره: این منطقه از اطراف توسط دو رودخانه دجله و فرات و از جنوب توسط کانال‌های رودخانه‌هایی که این دو رود را به هم وصل می‌کند، احاطه شده است. این منطقه وسعت زیادی را اشغال می‌کند و در بخش شمال غربی عراق قرار دارد. ۳- فلات باختری: که شامل منطقه صحرا و سرزمین‌های غرب رودخانه فرات بوده و در جنوب غربی با کشورهای عربستان و اردن همسایه می‌باشد. بیشترین بخش این منطقه را صحرا تشکیل می‌دهد (متقی زاده، ۱۳۸۴: ۱۱۰-۱۰۹). ۴- سرزمین‌های جلگه‌ای بین‌النهرین: از لحاظ انسانی و اقتصادی حائز اهمیت است و به «اسود» معروف است (عزتی، ۱۳۷۸: ۱۰۸-۱۰۶).

ترکیب و بافت جمعیتی عراق

عراق از بافت جمعیتی متنوع و ناهمگونی برخوردار است و این ناهمگونی و شکاف را باید مبتنی بر عامل زیرساختی ترکیب جمعیت عراق تعریف کرد. نابرابری در توزیع

وسایل تولید؛ عنصر اساسی شکاف‌های اجتماعی است که توزیع نابرابر اقتدار یا توانایی بین گروه‌ها را به دنبال دارد و روند تطور این شکاف‌ها در روند دولت‌سازی طی چند دهه اخیر از نظر ماهیت تفاوت چندانی نیافته است (روشه، ۱۳۶۸: ۱۲۳).

پس از جنگ جهانی اول، انگلستان جهان عرب را تقسیم کرد و کشور عراق از به هم پیوستن ۱۸ استان از امپراتوری عثمانی تشکیل شد. تنوع عناصری ماهوی جمعیت عراق تنها از نظر امنیت داخلی مشکل ساز نبوده بلکه از منظر آسیب شناسی امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی نیز همواره نگرانی حکومت‌های این واحد ملی و همسایگانش را در پی داشته است (پژوهش و تحقیق، ۱۳۸۳: ۱۷). طبق آخرین سرشماری که در سال ۲۰۱۴ صورت گرفت این کشور ۳۲۵۸۵۶۹۲ میلیون نفر جمعیت دارد که ۶۰٪ آن‌ها شیعه و ۳۷٪ سنی و ۳٪ نیز از سایر اقلیت‌ها هستند (عزتی، ۱۳۷۸: ۱۱۱).

شیعیان عراق بیشتر در استان‌هایی مانند بصره، عماره، ذیقار، سماوه، قادسیه، کربلا، واسط، نجف، دیاله، بابل، کاظمین و سامرا زندگی می‌کنند. همچنین یک سوم از جمعیت دو میلیون نفری ترکمان‌ها و نیز بخشی از کردهای شیعه عراق موسوم به «اکراد فیلی» شیعه هستند (پژوهش و تحقیق، ۱۳۸۳: ۲۸). البته باید توجه داشت دو گروه اصلی در عراق حضور دارند: ۱- کردها؛ که در مناطق مرتفع و نفت‌خیز عراق ساکن هستند و ۲۰٪ از جمعیت عراق در این منطقه حضور دارند. ۲- اعرابی که در قسمت‌های جنوبی عراق سکنی گزیده‌اند و از لحاظ مذهبی و اعتقادی با ایران وجه مشترک دارند (عزتی، ۱۳۷۸: ۱۱۱). این گروه اخیر، نزدیک به ۷۱ درصد از جمعیت عراق را تشکیل می‌دهند اما عرب‌های سنی نیز از گذشته‌های دور به دلیل حمایت امپراتوری عثمان؛ بر ساختار عراق مسلط بودند به گونه‌ای برتری سنی‌ها بر نظام سیاسی تا تشکیل شورای انتقالی حکومت عراق (مجلس الحکم) در اردیبهشت ۱۳۸۲ ادامه یافته است (برنابلداجی، ۱۳۸۳: ۱۴۹). این اقلیت سنی‌مذهب در دولت عثمانی وظیفه ایجاد ثبات در ایالت‌های کردنشین موصل و شیعه‌نشین بصره را به دلیل نفوذ ایران به عهده داشت زیرا حاکمان ایران در تقویت عناصر ناراضی ساکنان این دو ایالت، علیه مقامات عثمانی و حاکمان بغداد نقش اساسی را برعهده داشتند (فیاض، ۱۹۶۳: ۴۵-۲۳). این گروه کنترل ارتش را در دست داشت و به سبب امتیازاتی که از طرف دولت عثمانی نصیب آنان می‌شد؛ از رفاه بیشتر، تشکل اجتماعی قوی‌تر و سطح سواد بالاتری برخوردار بودند و تنها در یک دوره کوتاه فروپاشی عثمانی و اشغال نظامی عراق توسط انگلستان و شکل‌گیری دولت سلطنتی عراق؛ از نفوذ آن‌ها کاسته شد ولی طی دهه‌های بعد به علت نظر مساعد حزب بعث به این اقلیت، دوباره زمینه کسب قدرت سیاسی برای آن‌ها بیش از پیش فراهم شد (سیف زاده، ۱۳۷۹: ۵۳-۵۱).

مهمترین گروه‌ها و احزاب سیاسی شیعی در عراق

جماعه العلماء: این جماعت را باید سرسلسله حزب و وارد شدن تشکل در جامعه شیعیان عراق دانست. تجربه «اخوان المسلمین» و حزب «التحریر»؛ شیعیان عراق را بیدار کرد و انتقال فعالیت‌های حزبی را ضروری ساخت. بنابراین همان فعالیت‌هایی که در پایه دهه پنجاه میلادی و همراه با سلطه بی‌چون و چرای جریان کمونیستی بر صحنه سیاسی عراق رشد کرد با کودتای ۱۹۸۵ جمود حوزه‌ها را درهم شکست و شرایط نسبتاً مساعدی برای شکل‌گیری تشکل‌های اسلامی فراهم ساخت (ابراهیم، ۱۹۹۸: ۳۳۳). این تشکل پاسخی بود به فشارهای فزاینده رژیم بعثی، تفکرات رو به رشد کمونیستی و گرایش‌ها و احساسات ناسیونالیسم افراطی که موجی از گرایش‌های اسلامی را به رهبری شیخ مرتضی آل یاسین در میان شیعیان عراق به راه انداخت (کاظمی دینان، ۱۳۸۸: ۱۰۳). ارکان این سازمان، فعالیت‌های خود را با امور فرهنگی و با انتشار نشریه «الأضواء» آغاز کرد و با معرفی شخصیت و توانایی‌های علمی و اقتدار کاریزماتیک سید محمدباقر صدر نهادینه شد. شهید صدر در آثار خود، کاستی‌های نظام سرمایه‌داری و سوسیالیستی را نمایان ساخت و استدلال‌هایی منطقی برای برتری ایدئولوژی اسلامی بر سایر ایدئولوژی‌های رایج مطرح نمود (جویس، ۱۳۶۳: ۵۶). پس از سال ۱۹۸۱؛ حزب جماعه العلماء به علت بروز اختلاف و تنش‌های سیاسی، به سه طیف تقسیم شد:

۱- گروه اول به رهبری سید محمدباقر حکیم، سید حسین صدر، سید عبدالعزیز حکیم و سید صدرالدین قبانچی ۲- گروه دوم با گرایش به حزب «الدعوه» و حضور علمایی همچون شیخ محمدباقر ناصرین سید کاظم حائری، شیخ محمدرضا ساعدی و سید عبدالرحیم شوکی ۳- گروه سوم موسوم به شیرازی‌ها بودند که در قالب «عمل اسلامی» قابل تعریف‌اند. مهمترین شخصیت‌های آن عبارت بودند از: سید محمد شیرازی مرجع و رهبر پیشین سازمان عمل، سید محمدتقی مدرسی و برادرش سید هادی مدرسی، ابو ابراهیم المطیری (دبیرکل سازمان عمل)، ابو جواد العطار، سید مرتضی قزوینی و شیخ ندیم حاتمی. پس از اخراج علما از عراق و ورودشان به ایران؛ در ابتدای دهه ۱۹۸۰ اختلافاتی بین «جماعه العلماء» بروز کرد و موجب شد از انسجام آن به تدریج کاسته شود به طوری که در دهه ۱۹۹۰ تنها نامی از «جماعه العلماء» باقی مانده بود. حزب الدعوه الاسلامی: این حزب که یکی از مهمترین احزاب عراق می‌باشد در سال ۱۹۵۷ بنیان نهاده شد. این حزب مولود اصلی «جماعه العلماء» است که چند سال قبل از آن شکل گرفته بود (کاظمی دینان، ۱۳۸۸: ۱۰۳). حزب الدعوه و جامعه شیعه؛ تحت تأثیر انقلاب اسلامی در ایران، رادیکال شدند. در مورد روابط و پیوندهای خویشاوندی و همکاری نزدیک میان آیت‌الله خمینی و رهبران بلندپایه شیعه عراق؛ جای شک و تردید وجود نداشت. پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال

۱۹۷۹، موج جدیدی از ناآرامی‌های شیعه را به وجود آورد. تظاهرکنندگان در مراسم محرم ۱۹۷۹، خواستار اصلاحات اجتماعی و استقرار یک حکومت اسلامی شدند. دولت عراق، با توجه به تشویق علنی پیکارجویی شیعه از سوی آیت‌الله خمینی؛ حزب الدعوه را همچون «ستون پنجم» می‌دانست که هدفش ادغام ایران و عراق بود (دکمجیان، ۱۳۷۷: ۲۳۲-۲۲۹).

از مؤسسان این حزب می‌توان به سید محمدباقر صدر، عبدالصاحب الدخیل، سید مرتضی عسکری، سید محمدمهدی حکیم، سید طالب الرفاعی، شیخ عارف بصری، حاج صالح الادیب و محمد الحاج السبیتی اشاره کرد. پس از به مرجعیت رسیدن آیت‌الله سید محمدباقر صدر، سازماندهی امور حزب در دانشگاه‌ها بر عهده عبدالصاحب الدخیل قرار گرفت و بنت‌الهدی صدر سازماندهی امور زنان مبارز و سید مهدی حکیم نیز به عنوان رابط هماهنگی بین مقامات روحانی نجف و اعضای هوادار حزبی در بغداد انتخاب شدند. پس از شهادت پنج تن از برجسته‌ترین اعضای فعال حزب در ۱۸ ژوئیه ۱۹۷۴، فعالیت‌های حزبی کاهش چشمگیری یافت تا آنکه سرانجام با پیروزی انقلاب اسلامی ایران؛ و شهادت آیت‌الله صدر و خواهرش بنت‌الهدی د ۱۹ فروردین ۱۳۵۹، موج انقلابی عراق فروکش کرد (کاظمی دینان، ۱۳۸۸: ۱۰۵-۱۰۳). در مورد دیدگاه‌ها و مبانی نظری حزب «الدعوه» نکته مهم این است: این حزب که مبتنی بر محتوای اساسنامه و روند تطور تجارب مبارزاتی رهبران آن است؛ معتقد به نوعی رهبری به صورت ولایت شورایی است. از نظر آن‌ها رهبر معنوی حزب، باید مانند سایر اعضای شورای مرکزی؛ قطع نظر از کارکردها و جایگاه معنوی‌اش به عنوان عضو شورای مرکزی و نه فراتر از آن عمل نماید (ادیب، بی‌تا: ۳۶-۴۲). مجلس اعلامی انقلاب اسلامی عراق: در سال ۱۳۶۱ تشکیل شد. این مجلس توانست همگرایی لازم را بین کلیه نیروهای معارض اسلامی عراق ایجاد نماید و در ابتدا دربر گیرنده کلیه احزاب و شخصیت‌های مستقل معارض مستقر در جمهوری اسلامی ایران بود و حتی نیروهای سنی و ملی‌گرا را نیز شامل می‌شد. برخی مؤسسين مجلس اعلا عبارت بودند از: سید محمدباقر حکیم، شیخ محمدمهدی آصفی، محمد بحرالعلوم، سید حسین صدر، سید باقر مهري، سید عبدالعزیز حکیم و سیدتقی مدرسی. مهمترین اهداف این مجلس عبارت بودند از: ۱- ایجاد همگرایی و وحدت در رهبری گروه‌های معارض عراقی علیه رژیم بعثی ۲- سرنگونی رژیم بعثی ۳- تدوین استراتژی فعالیت گروه‌های معارض و حل مشکلات آوارگان عراقی. این تشکل سیاسی عراقی، جایگاهی ویژه در جمهوری اسلامی ایران داشته و روابط نزدیکی بین رهبران جمهوری اسلامی ایران و این تشکل برقرار بوده است. قابل ذکر است که منش اساسی فعالیت‌های این تشکل؛ سیاسی، فرهنگی و عقیدتی است و مبنای نظری عقیدتی آن مبتنی بر نظریه ولایت فقیه بوده است (کاظمی دینان، ۱۳۸۸: ۱۰۸-۱۰۶). مهمترین محور فعالیت مجلس اعلا

در قبال شکل‌گیری ساختار دولت نوین در عراق، اهتمام به فروپاشی نظام حکومتی سنی‌محور و تشکیل نظام سیاسی شیعه‌محور است و سعی دارد با تعامل سازنده‌ای که با سایر گروه‌ها و شخصیت‌های شیعی رقیب و آمریکا انجام می‌دهد، موقعیت مستحکمی در ساختار سیاسی آینده عراق به دست آورد و از طرف دیگر؛ نگرانی کشورهای عربی در زمینه نقش و جایگاه شیعیان در دولت آتی عراق را برطرف نماید (ویسی، ۱۳۸۲: ۸۶).

چگونگی قدرت‌یابی شیعیان در عراق پس از سقوط صدام

تشیع در عراق صرفاً آموزه‌ای مذهبی نیست بلکه فرهنگ و جغرافیا نیز هست و همان‌قدر که از اعتقاد مذهبی نیرو می‌گیرد از غنای میراث و محیط نیز بهره می‌برد (فولر؛ فرانکه، ۱۳۸۴: ۱۸۹). در ابتدا باید دانست عراق اهمیت زیادی برای شیعیان دارد و این اهمیت دارای ابعاد تاریخی و مذهبی است و بیشتر به وجود عتبات عالیات در آنجا و همچنین استقرار یکی از کانون‌های مهم فکری شیعه (حوزه نجف) در عراق ارتباط دارد. ارتباطات اجتماعی ایران و عراق آنقدر درهم تنیده‌اند که نمی‌توان آن‌ها را به راحتی از هم منفک کرد. شیعیان عراق و ایران هزاران سال است که با یکدیگر ارتباطات مستحکمی دارند اما اگر عراق به معنای واقعی آزاد شود و توانایی شیعه عراق بروز یابد این قدرت را دارد که در کنار قدرت شیعیان در لبنان و خلیج فارس و در محور قدرت شیعه در ایران؛ تحولی اساسی در خاورمیانه به وجود آورد. از این‌رو همه آن‌هایی که از قدرت‌گیری شیعه نگران هستند؛ با نگرانی و وحشت تحولات عراق را پیگیری می‌کنند و همه کسانی که به قدرت‌گیری شیعه چشم بسته‌اند مشتاق‌اند که شیعیان عراق از این سیطره تاریخی آزاد شوند و نقش شیعیان بیش از گذشته در منطقه خاورمیانه به منصف ظهور برسد. پس از سقوط صدام، شیعیان در برابر یک دوراهی قرار گرفتند: از یکسو رژیم صدام که بیشترین ظلم و ستم را به شیعیان کرده بود و همه شیعیان منطقه از آن زیان دیده بودند؛ از بین رفت که سقوط این رژیم برای همه شیعیان خوشنودکننده بود. سقوط رژیم صدام نویدبخش فضای جدیدی بود که شاید اگر شیعیان از آن به خوبی استفاده کنند بتوانند خالق وضعیتی باشند که در آینده نقش قوی‌تری در منطقه برای خود ایجاد کنند و حقوق خود را با قدرت بیشتری مطالبه کنند. اما یک واقعیت تلخ در کنار این مسئله نهفته است و آن اینکه: کشور عراق به اشغال بیگانگان درآمده و شیعه نمی‌تواند از این اشغال‌خشنود باشد و طبیعتاً در صورت استمرار اشغال، شیعیان عراق باید برای آزادی کشورشان از نیروهای اشغالگر؛ عمل کنند (کاظمی دینان، ۱۳۸۸: ۱۱۴-۱۱۳). از سوی دیگر، همزمان با به کارگیری مجدد نیروهای بعثی در ساختار سیاسی- نظامی عراق؛ نظام فدرالی در عراق به رسمیت شناخته شد. در این نظام فدرالی فقط دولت «فدراتیو کردی» تشکیل شد و

شیعه و سنی دولت فدراتیو خود را تشکیل ندادند. ضمن آنکه عملاً ترکیب اجتماعی میان شیعیان و سنی‌ها آنقدر متداخل است که شاید اصلاً امکان تشکیل چنین دولت فدرالی به راحتی میسر نباشد. به کردها این حق داده شد تا هر بندی از قانون اساسی جدید را که دوسوم رأی دهندگان از سه استان کشور؛ وتو کنند را لغو نمایند یعنی اگر دوسوم ساکنان سه استان کردنشین با هر اصلی در قانون اساسی جدید مخالفت کنند این اصل، قانونی و منطقی نخواهد بود (محمدی، ۱۳۸۳: ۱۹۲). البته نباید فراموش کرد اگرچه پست‌هایی که شیعیان متصدی آنان می‌شدند عموماً غیرحساس و غیرکلیدی بودند اما با شروع جنگ دوم خلیج فارس، قیام‌های تازه‌ای آغاز شد و شیعیان جانی دوباره یافته و به همراه گروه‌های کرد شمال؛ جبهه‌ای متحد شکل دادند. در جنگ سوم خلیج فارس نیز بار دیگر شیعیان معترض عراقی وارد صحنه یک مبارزه سیاسی مسالمت‌آمیز شدند (متقی‌زاده، ۱۳۸۴: ۱۸۲).

در این مقطع، آیت‌الله سیستانی - مرجع تقلید شیعیان عراق - بیانیه مهمی صادر کردند و گفتند: «ما نمی‌توانیم این قانون را بپذیریم و باید این بند حذف شود. علاوه بر آیت‌الله سیستانی، شیعیان و بخشی از سنی‌های عضو شورای حکومت انتقالی با این بند هم مخالف بودند. اما آمریکایی‌ها شیعیان را مجبور نمودند که پیش‌نویس این قانون را امضا کنند و این یک شکست بزرگ برای شیعیان و حرکت مسالمت‌آمیزشان در برابر آمریکا بود. اینجا بود که آمریکایی‌ها سیاستشان را تغییر دادند و به سنی‌ها و کردها متمایل شدند. مسئله مهم دیگر، مسئله «مقتدی صدر» است که از ابتدای اشغال عراق هیچ عملیات جدی و چشمگیری علیه نیروهای آمریکایی انجام نداد زیرا ایشان به تصمیم کلی شیعه یعنی عدم درگیری با آمریکایی‌ها پایبند بود اما «مقتدی صدر» در مخالفتش با آمریکا اعلام نمود: «ما دست کوبنده «حزب‌الله» و «حماس» در عراق خواهیم بود و متحدان اسرائیل را در اینجا تهدید خواهیم کرد». گفته‌های مقتدی صدر بهانه شد برای آنکه آمریکا برنامه‌ای که از پیش طراحی کرده بود را آغاز کند و آن ضربه زدن به شیعه بود. لذا عملیات نظامی وسیعی انجام شد و مقتدی صدر وارد یک درگیری ناخواسته شد. جریان «صدر» یا باید به طور مطلق تسلیم می‌شدند و یا مقاومت می‌کردند. آن‌ها راه دوم را برگزیدند. در این مقطع، یعنی پیش از تشکیل نهایی کابینه؛ موضوع کنترل شد به گونه‌ای که شیعیان به این نتیجه رسیدند اکنون هنگامه اختلافات داخلی نیست. بنابراین جریان مقتدی صدر در خدمت مذاکره کنندگان شیعه قرار گرفت و مذاکره کنندگان شیعه عراقی به رهبری آیت‌الله سیستانی به خوبی از این برگ برنده استفاده کردند. به طور کلی دستاوردهای حضور شیعیان در عرصه سیاسی را می‌توان در موارد ذیل خلاصه کرد: ۱- تثبیت قدرت شیعیان به عنوان یک گروه عظیم از جامعه عراقی و نقش تعیین کننده آن‌ها در امور سیاسی آینده عراق ۲- جلوگیری از اشاره به قانون موقت عراق به عنوان یک سند در قطعنامه شورای

امنیت که در آن حقوق شیعیان کمتر رعایت شده بود (کاظمی دینان، ۱۳۸۸: ۱۱۸-۱۱۵). در تحلیل قدرت جوامع شیعی ساکن در عراق و میزان ضریب امنیتی عراق؛ اجمالاً باید دانست حکومت‌های منطقه بیشتر طرفدار عراق منزوی شده (چه قدرتمند و چه ضعیف) هستند در حالی که این شرایط منجر به تقویت مخالفان آمریکا و نیز روندهای ضد آمریکایی می‌شود (قهرمان‌پور، ۱۳۸۳: ۷-۸). کشورهای عرب همسایه عراق که سنی‌ها در آن حکومت را در دست دارند؛ نسبت به پیامدهای پیروزی شیعیان که ممکن است بر توازن قدرت منطقه‌ای تأثیر بگذارد، نگران هستند. بعلاوه، جهان عرب و به ویژه همسایگان عراق نیز از ایجاد عراقی جدید که شیعیان؛ تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران سیاسی آن باشند و نهادهای امنیتی را هدایت کنند بیم دارند. «اردن» از جمله این کشورهاست که از آثار انتخابات‌های عراق ابراز نگرانی کرده است زیرا پیروزی شیعیان در نخستین انتخابات عراق بعد از سرنگونی صدام را تقویت نفوذ ایران در عراق می‌داند که به این ترتیب موازنه قدرت در خاورمیانه متحول خواهد شد. همچنین پیروزی شیعیان در عراق سبب تولد مخالفان شیعه‌مذهب در کشورهای منطقه می‌شود. در کنار این امر، باید اشاره کرد که به‌رغم قدرت‌یابی شیعیان در عرصه سیاسی عراق و حضور افرادی نظیر ابراهیم الجعفری، ایاد علاوی و نوری المالکی در صدر حکومت عراق در مقاطع گوناگون، هنوز آن طور که باید و شاید مطالبات شیعیان عراق محقق نشده است. به عنوان مثال موادی از قانون اساسی عراق که محدودکننده نقش فعال شیعیان است و یا قانونی که اسلام را به عنوان یک (و نه تنها) منبع قانونگذاری ذکر کرده است، از جمله این موارد است. در مجموع باید گفت: برخلاف تمام مشکلات و مسائل خاص جامعه عراق-که ناشی از شکاف‌های مختلف قومی و مذهبی در این کشور و پیشینه تاریخی آن می‌باشد- شیعیان توانسته‌اند در ساختار سیاسی جدید عراق موفقیت‌های عظیمی کسب کنند و نقش تعیین‌کننده خود را در امور سیاسی عراق بر همگان اثبات کنند که این امر خود باعث الگوگیری و روحیه‌بخشی و انگیزه‌دهی به شیعیان کشورهای عرب مجاور شده است (کاظمی دینان، ۱۳۸۸: ۱۲۱-۱۱۸).

تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر شیعیان عراق

انقلاب اسلامی ایران را می‌توان یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین انقلاب‌های قرن بیستم برشمرد. از مشخصه‌های بارز این انقلاب؛ مردمی بودن، تأثیرپذیری از آموزه‌های مذهبی شیعی و نقش بی‌بدیل رهبری شیعه در به ثمر رسیدن آن است. نکته قابل توجه این است که اساساً زیربنای فکری و تئوریک رهبران انقلاب و همچنین عامه مردم ایران را در جریان انقلاب سال ۱۳۵۷، اصول و عقاید شیعی تشکیل می‌داد؛ از سوی دیگر باید دانست که رهبران شیعی در ایران در واقع اولین پایگاه جامعه مدنی، اولین ضد قدرت (در برابر قدرت دولت) و بیدارترین قشر جامعه بودند (کاظمی

دینان، ۱۳۸۸: ۷۷ و ۶۹). با پیروزی انقلاب اسلامی؛ متعاقباً پدیده «صدر انقلاب» در مرکز توجه اندیشمندان و علما قرار گرفت و روند رو به رشد صدر انقلاب اسلامی به گونه‌ای بود که سردمداران سایر کشورها و از جمله کشورهای حاشیه خلیج فارس و به ویژه عراق را نگران می‌کرد و علیرغم اینکه صدر انقلاب اسلامی ایران باعث تهدید موجودیت عراق می‌شد اما وجود مذهب مشترک و به عبارتی اشتراکات ایدئولوژیکی میان دو کشور ایران و عراق و همچنین تأثیرپذیری از انقلاب اسلامی موجب تشدید مبارزات شیعیان در عراق علیه رژیم این کشور گردید (پژوهش و تحقیق، ۱۳۸۳: ۸۱). اسپوزیتو نیز درباره صدر انقلاب اسلامی معتقد است: «ایران نخستین انقلاب سیاسی - اسلامی موفق را به جهان عرضه کرد. انقلابی که به نام «اسلام» و با شعار «الله اکبر» بر مبنای ایدئولوژی و نمادگرایی شیعه و رهبری روحانیت و غیر روحانیت استوار بود و مسلمانان سراسر جهان از ثمره آن که همانا اوج گرفتن مفهوم هویت اسلام و بازگشت غرور و اقتدار مسلمانان در جهانی که تحت سیطره ابرقدرت‌هاست، محفوظ شدند. علاوه بر این، آیت‌الله خمینی تجربه ایران را راهنمایی برای تغییر سیاسی و ایدئولوژیکی امت جهانی اسلام می‌دانست. برنامه او متحد کردن تمام مسلمانان در نبرد سیاسی و فرهنگی علیه شرق و غرب بود. با پیروزی در این نبرد؛ ایران آماده بود تا اصول خود را در کشور خویش و جهانی خارج از آن تبلیغ کند (اسپوزیتو، ۱۳۸۲: ۴۹).

باید توجه داشت که یکی از اساسی‌ترین مفاهیم مشترک مذهبی «جهاد» و «شهادت» است که از واقعه تاریخی شهادت امام حسین (ع) الهام گرفته شده است. اگرچه شیعه نتوانسته است چنان که لازم است از این مفاهیم بهره ببرد اما در دهه هفتاد میلادی روشنفکران و رهبران شیعه با آگاهی از کارایی این نماد مهم، در پی بازبینی و احیای آن برآمدند. به هر حال پیروزی انقلاب اسلامی ایران الگوی عینی و عملیاتی این اندیشه قلمداد شد به ویژه که آنان خواستند آموزه‌ها و دستاوردهای انقلاب را صادر و کسانی که خواهان دگرگونی وضعیتشان هستند را یاری کنند (فاضلی نیا، ۱۳۹۱: ۹۷). در واقع ایدئولوژی انقلاب ایران و حمایتش در عراق، در اصولگرایی شیعیان لبنان، کودتای نافرجام بحرین و در جنبش شیعیان عربستان بسیار اهمیت داشته است. حتی در جاهایی نظیر عراق و لبنان که جنبش‌های شیعه با تمایلات سیاسی قبل از ایران وجود داشت. نفوذ موفقیت‌های انقلاب و ایدئولوژی امام خمینی با پافشاری موفقیت‌آمیز بر اسلام مردمی، قویاً احساس می‌شد. بسیاری از جنبش‌های اعتراض شیعه پس از انقلاب ایران روی داد. در واقع پیروزی انقلاب به طور اتوماتیک باعث برانگیختگی جنبش‌های شیعه گردید زیرا آن پیروزی معادل با پیروزی شیعه تصور شد (برآهویی، ۱۳۷۱: ۲۰۰). در عراق هم که شیعه با فعالیت‌های ایدئولوژیکی و سیاسی شهید محمدباقر صدر تجهیز شده بود با انقلاب ایران به خروش آمد و تقاضای انقلاب

ایران را تکرار کرد و گرچه به شدت سرکوب شد ولی این رویکرد بار دیگر در انتفاضه ۱۹۹۱ خود را نشان داد و بار دیگر نیز سرکوب شد. به هر حال، جنبش شیعیان عراق و گروه‌های معارض عراقی پس از وقوع انقلاب اسلامی ایران و به دلایل گوناگون مهم‌ترین کانون پذیرش و ترویج آمل و اهداف انقلاب در جهان اسلام بود که علل آن به مثابه مبانی همبستگی فرهنگی و تاریخی عبارتند از:

۱- مذهب تشیع دوازده امامی و ارتباط معنوی خاصی که شیعیان هر دو کشور را با توجه به اعتقادات مشترک سیاسی به هم پیوند داده است. ۲- وجود عتبات عالیات در شهرهای نجف، کربلا، کاظمین و سامرا در عراق و شهرهای مشهد و قم در ایران که موجب رفت و آمد زائران و در نتیجه عامل پیوند دو ملت می‌گردد. ۳- بافت فرهنگی و اجتماعی مشابه دو کشور با توجه به سوابق تاریخی. ۴- تعداد زیاد ایرانیان مقیم عراق و نیز عراقیان مقیم ایران. ۵- وجود حوزه‌های علمیه در دو کشور و ارتباط علمی و فرهنگی بین آن‌ها. ۵- همسایگی و وجود مرزهای مشترک طولانی به ویژه که ساکنان نواحی مرزی اغلب به صورت عشایری زندگی می‌کنند و قبلاً که کنترلی وجود نداشت در دو طرف مرز به بیلاق و قشلاق می‌پرداختند. ۶- مرجعیت یا زعامت واحد شیعه برای شیعیان دو کشور در طول تاریخ (فاضلی نیا، ۱۳۹۱: ۹۷). بنابراین، وجود اصول اعتقادی مشترک (مبانی نظری مشترک اسلام و به ویژه مذهب شیعه)، نقش مؤثر مقوله «مرجعیت»، سابقه اقامت امام خمینی در عراق، وجود عتبات عالیات و مراودات بین حوزه‌های علمیه دو کشور از جمله شاخص‌های مهمی هستند که همبستگی ایدئولوژیکی و همگرایی تاریخی- فرهنگی بین نظام اسلامی و معارضان عراق؛ به خصوص شیعیان را طی ۲۵ سال اخیر موجب شده‌اند (پژوهش و تحقیق، ۱۳۸۳: ۸۲). به همین دلیل است که بلافاصله پس از وقوع انقلاب در ایران، با توجه به آثار انکارناپذیر انقلاب اسلامی در کشورهای منطقه، گروه‌های معارض عراقی نیز نظام نوپای اسلامی را به مثابه قبله آمل و ام‌القرای جهان اسلام تلقی نمودند و چون بین شیعیان عراقی و ساختار سیاسی حاکم بر این کشور نوعی تعارض وجود داشت بستر مناسبی برای طرح اندیشه‌های انقلابی ایران فراهم آمد و هواداران را به سوی خود جلب کرد. الگوی ایران برای رهبران شیعی عراق می‌توانست مفید باشد زیرا کاستی‌های آنان را در عمل جبران می‌نمود (فاضلی نیا، ۱۳۹۱: ۱۰۰). در عراق، وجود «حزب الدعوه الاسلامی»، «جماعه العلماء»، «حزب الفاطمی» و دیگر احزابی که نظریات فقهی امام خمینی را قبول داشتند؛ تحت تأثیر حرکت ایشان بودند. علاوه بر این، امام راحل مهمترین بحث سیاسی خود «ولایت فقیه» را در حوزه علمیه نجف اشرف شروع کرد و به پایان رساند و شاگردان ایشان تنها روحانیان ایرانی نبودند بلکه علما و طلاب عراقی نیز در درس ایشان شرکت می‌کردند. از جمله شهید محمدباقر صدر رهبر وقت عراق در درس ایشان شرکت داشت و بسیاری از افکار انقلابی حضرت امام توسط

ایشان به شیعیان عراق انتقال پیدا کرد. شهید آیت‌الله صدر و رهبری ایشان تأثیری تعیین‌کننده در عراق داشت. در بین مراجع بزرگ عراق، در چند دهه اخیر تنها آیت‌الله صدر دیده می‌شود که هم در زمینه غنا بخشیدن به اندیشه سیاسی اسلام کار کرده و هم عملاً وارد عرصه عملی سیاست شده و رهبری سیاس مردم عراق به ویژه پس از کودتای عبدالکریم قاسم در سال ۱۹۶۸ را بر عهده گرفته است. حرکتی را که آیت‌الله صدر در الگو قرار دادن انقلاب اسلامی ایران و پیروی از آن برای رسیدن به پیروزی در عراق به وجود آورد، خاندان بزرگ حکیم و شاگردان و پیروان آیت‌الله صدر نیز دنبال کردند. بسیاری از عراقیان از امام خمینی، آیت‌الله مرعشی نجفی و آیت‌الله گلپایگانی تقلید می‌کردند و این تقلید مختص مسائل فقهی نبود بلکه در مسائل سیاسی نیز بود (پژوهش و تحقیق، ۱۳۸۳: ۸۶-۸۵). به هر حال، قیام ۱۳ رجب سال ۱۳۹۹ هجری، اولین قیام مردمی شیعیان عراق پس از پیروزی انقلاب اسلامی بود که تا شروع جنگ تحمیلی ادامه یافت. این حرکت در واقع بازتاب مستقیم و فوری انقلاب اسلامی ایران بر شیعیان عراق به شمار می‌آید (فاضلی نیا، ۱۳۹۱: ۱۰۱).

تأثیر گذاری شیعیان در ساختار سیاسی عراق

شیعیان همواره در طول تاریخ و به طور مشخص از جنگ جهانی اول، با ورود استعمار انگلیس؛ به عنوان یک گروه مبارز در مقابل حکومت‌ها مطرح بوده‌اند، گرچه درجه و شدت و ضعف مبارزاتشان از یکسو به دلیل فشار و سرکوب حکومت‌ها و از سوی دیگر به دلیل رویکرد سنتی و محافظه‌کارانه قشری از سوی مراجع و علمای مقیم در مراکز قدرت شیعیان (شهرهای مذهبی، حوزه‌های علمیه، بیوت علما و تکایای مذهبی) متفاوت بوده است (فاضلی نیا، ۱۳۹۱: ۱۴۸). باید توجه داشت کشور عراق، افزون بر اعتبارش به منزله مرکز تشیع؛ در شکل دادن به هویت و تاریخ عرب نقش محوری داشته و به صورتی جدی در پیشرفت‌های اجتماعی، سیاسی و فکری مشرق عربی مؤثر بوده است (فولر؛ فرانکه، ۱۳۸۴: ۱۸۶). به طور خلاصه، ریشه اساسی‌ترین شکاف اجتماعی عراق یعنی نادیده گرفتن حقوق سیاسی شیعیان و سرکوب آن را باید به لحاظ تاریخی در رفتار دولت عثمانی، سیاست‌های استعماری انگلیس و دولت‌های حاکم در عراق به خصوص از سال ۱۹۶۸ پس از کودتای «عبدالسلام عارف» و روی کار آمدن ملی‌گرایان و بعثی‌ها دانست (کاظمی دینان، ۱۳۸۸: ۹۵). بر این اساس، دو عامل موجب حذف شیعیان از مشارکت سیاسی در ساختار سیاسی عراق گردیده است:

- ۱- نقش دیوانسالاران سیاسی تربیت شده در عثمانی که سنی‌مذهب بودند ۲- حکم جهادی علمای شیعه علیه انگلیس در سال ۱۹۱۵ میلادی و سال‌های بعد از آن که به سهم خود؛ این امر بیش از پیش حساسیت انگلیس را نسبت به شیعیان برانگیخت. نکته قابل توجه این است که سه عامل مهم نیز که در عدم مقاومت اولیه شیعیان در

مقابل ساختار سیاسی جدید عراق نقش دارند عبارت‌اند از: ۱- کاهش تهدید اکثریت سنی به لحاظ استقلال عراق از عثمانی ۲- سابقه حمله وهابیون؛ شیعیان را نسبت به تجدید حمله آن‌ها محافظه کار نموده بود ۳- تعارض و دشمنی مشترک خاندان هاشمی و شیعیان با سعودی‌های وهابی (کاظمی دینان، ۱۳۸۸: ۹۶). همانگونه که ذکر گردید کاهش حضور و نفوذ شیعیان در ساختار سیاسی عراق معلول عللی بود که در فوق بدان‌ها اشاره گردید در تأیید این طالب باید دانست از سال ۱۹۲۱ تا ۱۹۵۸، در عراق ۵۹ دولت تشکیل شده که تنها ۵ نفر از شیعیان از میان صدها نفری که به منصب وزارت و نخست وزیری رسیدند؛ توانسته بودند در منصب نخست‌وزیری به تشکیل دولت دست بزنند و قریب سه سال زمام امور کشور را به عهده داشته باشند. با عنایت به اینکه بین ۶۰ تا ۶۵ درصد مردم عراق را شیعیان تشکیل می‌دهند، این تبعیض ناروا برای شیعیان عراق بسیار آزاردهنده است. از سال ۱۹۵۸ تا ۱۹۹۰ تنها یک شیعه به نخست‌وزیری برگزیده شد که مد ده ماه صدارت داشت. تبعیض بر ضد شیعیان در دیگر عرصه‌های زندگی نیز وجود دارد: از آن جمله؛ شیعیان در مجلس، فرهنگ، مطبوعات، اوقاف، آموزش و پرورش، آموزش عالی و تجارت و بازرگانی حضوری کم‌رنگ دارند. البته بیشتر فشار بر شیعیان به دوران حکومت حزب بعث باز می‌گردد. با روی کار آمدن این حزب، روند شیعه‌آزاری تشدید شد. با آنکه برخی از رهبران حزب بعث؛ شیعه مذهب بودند اما جنگ فرقه‌ای تمام عیاری بر ضد شیعیان آغاز شد و تحت عنوان «شعوبی‌گری» توجیه گردید (سیف زاده، ۱۳۷۹: ۸۴-۸۳).

فشار گسترده‌تر رژیم بعثی از زمان به قدرت رسیدن (ژوئیه ۱۹۶۸) تا زمان سقوط (مارس ۲۰۰۳) بر شیعیان در مقاطع گوناگون؛ موجب شکل‌گیری جریان‌ها و گروه‌های معارض متعددی شده که مهمترین آن‌ها به شرح ذیل است: «اخوان المسلمین»، «جماعه العلماء»، «حزب الدعوة الاسلامیه»، مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق، سازمان عمل اسلامی، و نیروها و رویکردهای جدید موسوم به «صدریون» (فاضلی نیا، ۱۳۹۱: ۱۴۹). نکته قابل تأمل این است که شهید آیت‌الله سید محمدباقر صدر و شهید آیت‌الله سید محمدباقر حکیم؛ در شکل‌گیری بسیاری از این گروه‌ها و احزاب و تقویت جنبش شیعیان عراق و حتی شیعیان دیگر کشورهای منطقه تأثیر عمیقی داشتند (کاظمی دینان، ۱۳۸۸: ۹۷). صدام حسین هر از گاهی که تمامیت ارضی کشورش به خطر می‌افتاد سعی می‌کرد تا از شیعیان دلجویی کند. او به خوبی و بهتر از دیگر رهبران عراق از مذهب برای اثبات حاکمیتش استفاده می‌کرد. از آغاز دهه ۱۹۷۰ وی روش‌های گوناگونی را در جهت جلب شیعیان به سوی دولت عراق اتخاذ نمود. مهمترین این اقدامات صنعتی کردن منطقه شیعیان در جنوب کشور و تسریع دگرگونی زندگی روستاییان بود. اقدام دوم، مراقبت شدید جوامع شیعه بود به ویژه پس از پیروزی انقلاب اسلامی ۱۹۷۹ در تهران. صدام در عین آنکه در جهت نابودی ویژگی‌های جامعه شیعه می‌کوشید؛ با یک

رشته حرکات خیرخواهانه، خود را در مقابل مقامات مذهبی دوستدار شیعیان وانمود می‌کرد (فاضلی نیا، ۱۳۹۱: ۱۵۰-۱۴۹). اما این مسئله هرگز موجب نشد نقش سیاسی به شیعیان داده شود و نهایت ارفاقی که در قبال شیعیان قائل می‌شد در زمینه اقتصادی بود. گرچه در برخی برهه‌ها حتی از مشارکت اقتصادی آنان نیز جلوگیری به عمل می‌آورد و با در پیش گرفتن سیاست‌های اقتصادی که به ضرر آنان تمام می‌شد مانع قدرت گرفتن شیعیان در بُعد اقتصادی می‌گردید (سیف زاده، ۱۳۷۹: ۸۴). از سوی دیگر می‌توان گفت جنایات واقعی بر ضد شیعیان با روی کار آمدن صدام صورت گرفت. وی که در سال ۱۹۷۹ حاکمیت سیاسی عراق را به چنگ آورده بود از همان سال‌های اولیه ریاست جمهوری‌اش جنایات زیادی در شهرهای جنوبی و مرکزی انجام داد. در سال ۱۹۸۰ موج جدیدی از جنایات به وقوع پیوست و این بار به بهانه سرکوب شورشیان و بیش از همه؛ عوامل «حزب الادعوه الاسلامیه»، دستگیری‌ها و اعدام‌های فراگیری آغاز شد. در جنگ دوم خلیج فارس نیز که منجر به حضور گسترده نیروهای آمریکایی به‌طور مستقیم در منطقه شد؛ شیعیان جنوب که سال‌ها سختی و مصیبت را تجربه کرده بودند سر به شورش و اعتراض برآوردند ولی دیری نپایید که دوباره قربانی تعامل آمریکا و صدام شدند (فاضلی نیا، ۱۳۹۱: ۱۵۱-۱۵۰). بدینسان شیعیان عراق بیش از سه دهه مورد آزار و اذیت و حشیانه حزب بعث قرار گرفتند و بیش از همه از سرنگونی حزب بعث خوشحال شدند. از این‌رو، با عنایت به ظلم تاریخی موجود در عراق، شیعیان به خاطر عدم حضور در هرم قدرت؛ در تلاش هستند بر خلاف حرکت سال ۱۹۲۰ که در سایه چالش با قدرت خارجی - یعنی انگلیس - به حذف سیاسی آن‌ها منجر شد، در شرایط کنونی با درک موقعیت منحصر به فرد و داشتن اکثریت جمعیتی و سیاسی؛ در آینده عراق نقش سازنده‌تری ایفا کنند (هفته‌نامه شما، س ۸، ش ۳۸۳، ۳۰ مهر ۱۳۸۳). نباید از نظر دور داشت که تاریخ پر فراز و نشیب شیعیان عراق تا پایان حکومت صدام؛ به عنوان اقلیتی معترض با توانایی بالای اعتراضات اجتماعی رقم خورد که این خود نیز دلایل متعددی دارد: ۱- جنبش اسلامی شیعیان عراق؛ خاستگاه مشترکی با شیعیان ایران داشت (وجود حیات نظری مشترک فقه شیعه به‌خصوص در کشورهای ایران و عراق). ۲- جمعیت قابل توجه شیعیان در عراق ۳- سابقه حضور بنیانگذار انقلاب اسلامی ایران در عراق ۴- وجود عتبات عالیات در هر دو کشور ۵- مرادیت بین حوزه‌های علمیه دو کشور (قم و نجف) ۶- مرزهای مشترک طولانی ایران و عراق. این مشترکات ایدئولوژیک سبب شد حاکمیت عراق نسبت به شیعیان بی‌اعتماد شود و آن‌ها را نفوذی دشمن (یعنی ایران) بداند (کاظمی دینان، ۱۳۸۸: ۹۷-۹۶).

به هر حال، قدرت یافتن شیعیان عراق نه تنها پیامدهای مثبتی برای آنان به همراه دارد بلکه برای هم‌کیشانانشان در منطقه نیز مفید خواهد بود به ویژه آنکه آنان به لحاظ

قومیتی عرب بوده و با اعراب منطقه پیوند مشترکی دارند. بنابراین، مثبت یا منفی بودن پیامدهای احیای سیاسی شیعه در عراق برای شیعیان عرب به عنوان یک کل، به عواملی چون حل تنش‌های درونی و چگونگی تصمیم‌گیری آن‌ها درباره مسائل داخلی و نحوه ارتباط آن‌ها با کشورهای منطقه بستگی دارد.

نتیجه‌گیری

عراق با مساحتی بالغ بر ۴۳۷۰۷۲ کیلومتر مربع؛ از جمله کشورهای خاورمیانه و جنوب غرب آسیاست که از جنوب با عربستان سعودی و کویت، از غرب با اردن و سوریه، از شرق با ایران و از شمال با ترکیه همسایه است. عراق در جنوب، مرز آبی کوچکی با خلیج فارس دارد. دو رود دجله و فرات از شمال به جنوب این کشور روان هستند و به خلیج فارس می‌ریزند. بیشتر مناطق عراق پست و هموار است و آب و هوای آن در نقاط شمال؛ کوهستانی و سرد، در نواحی مرکزی؛ گرم و مرطوب و در غرب؛ گرم و خشک است. مردم عراق از نظر مذهبی به دو فرقه بزرگ شیعه و سنی تقسیم می‌شوند. حدود ۶۰٪ مردم عراق شیعه، ۳۷٪ سنی و ۳٪ پیروان سایر ادیان (مسیحیان، یهودیان، آشوریان و...) هستند. عرب‌های شیعه که بیشتر جمعیت عراق را تشکیل می‌دهند، عموماً در جنوب و مرکز این کشور ساکن هستند. اهالی کربلا، دیوانیه، حله، عماره و کوت همگی شیعه‌اند. اگرچه در استان‌های دیالی، بغداد و بصره نیز اکثریت با شیعیان است اما در نقاط دیگر نیز شیعیان پراکنده‌اند. عرب‌های سنی در بخش شمالی عراق تمرکز یافته‌اند. کردها، در مناطق کوهستانی شمال شرق سکونت دارند به نحوی که سلیمانیه و موصل کانون اصلی آن‌هاست. با این اوصاف، شیعیان هم از نظر تعداد و هم از نظر تأثیر فکری مهم‌ترین گروه در این کشور محسوب می‌گردند. این کشور پس از استقلال در کانون تاریخ عرب قرار گرفت و به شکل‌گیری گفتمان و سیاست‌های عربی کمک کرد. شیعیان تا قبل از سقوط صدام از هر لحاظ در تنگناهای شدیدی قرار داشتند اما آن‌ها با تأثیرپذیری از انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی (ره)؛ به تدریج به مبارزات خود علیه رژیم دیکتاتوری صدام ادامه دادند تا اینکه با سقوط رژیم صدام توسط آمریکا و هم‌پیمانانش، شیعیان توانستند پس از سالیان طولانی به جایگاه واقعی خود؛ دست یابند و هم‌اکنون نیز شیعیان عراق در ساختار سیاسی این کشور نقش و اهمیت فراوانی دارند.

منابع و مآخذ

ابراهیم، فؤاد (۱۹۹۸): الفقیه و الدوله؛ الفكر السياسي الشیعی، بیروت، دار الکنوز الادبیه
 ادیب، عادل (بی‌تا): حزب الدعوه اسلامی عراق؛ پیشینه تاریخی و اندیشه سیاسی، تهران، مرکز مطالعات علمی و پژوهش‌های خاورمیانه

- اسپوزیتو، جان ال (۱۳۸۲): انقلاب ایران و بازتاب جهانی آن، ترجمه محسن مدیر شانه‌چی، تهران، باز
- برآهویی، نرجس (۱۳۷۱): اصول‌گرایی اسلامی و تأثیرات منطقه‌ای آن، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل، تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران
- برنا بلداجی، سیروس (پاییز ۱۳۸۳): شیعیان عراق؛ بررسی وضعیت جامعه‌شناختی، فصلنامه تخصصی شیعه‌شناسی، س ۲، ش ۷
- پژوهش و تحقیق (۱۳۸۳): نقش شیعیان در فرایند دولت‌سازی عراق نوین و تأثیر آن بر امنیت ملی، تهران، مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر
- ترک‌زاده، بهروز (مرداد و شهریور ۱۳۸۲): جنگ عراق؛ نقش حقوق بین‌الملل، مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی، ش ۱۹۲ - ۱۹۱
- جعفری ولدانی، اصغر (۱۳۶۹): روابط عراق و کویت، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی
- جعفری ولدانی، اصغر (۱۳۷۱): کانون‌های بحران در خلیج‌فارس، تهران، انتشارات کیهان
- جویس، ان ویلی (۱۳۶۳): نهضت اسلامی شیعیان عراق، تهران، اطلاعات
- دکمجیان، هرایر (۱۳۷۷): جنبش‌های اسلامی معاصر در جهان عرب، ترجمه حمید احمدی، تهران، کیهان
- روشه، گی (۱۳۶۸): تغییرات اجتماعی، ترجمه منصور وثوقی، تهران، نشر نی
- سیف‌زاده، سیدحسین (۱۳۷۹): عراق؛ ساختارها و فرایند گرایش‌های سیاسی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی
- عزتی، عزت‌الله (۱۳۷۸): جغرافیای سیاسی جهان اسلام، قم، واحد تدوین کتب درسی
- فاضلی‌نیا، نفیسه (۱۳۹۱): ژئوپلیتیک شیعه و نگرانی غرب از انقلاب اسلامی، قم، انتشارات شیعه‌شناسی
- فولر؛ فرانکه، گراهام ای؛ رند رحیم (۱۳۸۴): شیعیان عرب؛ مسلمانان فراموش شده، ترجمه خدیجه تبریزی، قم، انتشارات شیعه‌شناسی
- فیاض، عبدالله (۱۹۶۳): الثورة العراقية الكبرى؛ سنه ۱۹۳۲، بغداد، دار الکنز
- قهرمان‌پور، رحمان (۱۳۸۳): پارادوکس‌های پیشروی آمریکا در عراق، فصلنامه دفاعی - امنیتی، ش ۴۰، س ۱۱
- کاظمی دینان، سیدمرتضی (۱۳۸۸): علل خیزش شیعیان حاشیه جنوبی خلیج‌فارس (عربستان سعودی، بحرین، کویت)، قم، انتشارات شیعه‌شناسی
- متقی‌زاده، زینب (۱۳۸۴): جغرافیای سیاسی شیعیان منطقه خلیج‌فارس، قم، مؤسسه شیعه‌شناسی محمدی، علی‌اصغر (۱۳۸۳): شیعیان عراق؛ آرمان‌ها واقعیت‌ها و چالش‌ها، مصاحبه با فصلنامه شیعه‌شناسی، ش ۷
- ویسی، مراد (۱۳۸۲): مسائل ایران و عراق؛ عراق پس از صدام، تهران، مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر
- هفته‌نامه شما (۳۰ مهر ۱۳۸۳): س ۸، ش ۳۸۳



شرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی